

بررسی آثار حقوقی اعطای تابعیت ایرانی به کودکان ناشی از پدران افغانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۰

حسن رضوانی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲

چکیده

تابعیت از مسائل اساسی در حقوق اساسی آدمی است. پیش از تصویب قانون مدنی در ایران، قانون تابعیت به تصویب رسید اما در سال ۱۳۱۳ قانون مدنی به صورت کامل به این موضوع پرداخت. با شروع جنگ شوروی با افغانستان سیل مهاجرت مردان افغانستانی به ایران شروع شد. برخی از این مردان با زنان ایرانی ازدواج کردند. فرزندان حاصل از این ازدواج با چالش تابعیت روبرو گردیدند. قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ به موضوع تابعیت پرداخته است. قانون مذکور در مورد تابعیت از مادر دارای ابهامات و چالش‌هایی بود. در سال ۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی ماده واحده ای را به تصویب رساند که آن ماده واحده نیز نتوانست مشکل را حل کند. در نهایت در سال ۱۳۹۸ ماده واحده دیگری از سوی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که دارای ابهامات و مشکلاتی است.

کلید واژه: ازدواج، افغانستان، تابعیت، حقوق مدنی، مادر

---

دانشجو دکترا، دانشگاه آزاد اسلامی

افغانستان کشوری در همسایگی ایران است. بخش عمده ای از افغانستان جزء قلمرو ایران بوده است در اواخر دوران سلسله افشاریه بخش های شرقی افغانستان از سوی یکی از سرداران نادرشاه جدا گشت و کشوری جدید شکل گرفت. در سال ۱۹۷۹ میلادی پس از پیروزی انقلاب اسلامی جریانات چپ کمونیستی در افغانستان اقدامات نظامی را شروع کردند. در سال ۱۹۸۰ با حمله شوروی به افغانستان موج مهاجرت شهروندان افغانستان به سوی ایران شروع شد. هر روز بر شتاب مهاجران افغانستانی به ایران افزوده می گشت. در آغاز دهه نود میلادی که مصادف با اوایل دهه هفتاد خورشیدی بود. ارتش شوروی از افغانستان خارج شد. با خروج ارتش شوروی از افغانستان جنگ های داخلی میان مجاهدان افغانستانی که با ارتش شوروی شدت یافت. طالبان گروه سیاسی و دینی مسلحی بودند که از درون قومیت پشتون ها برخواسته بود به دنبال تسلط کامل بر افغانستان بود. رفتارهای تند طالبان باعث شد تا بر میزان مهاجران افغانستانی به ایران افزوده شود. آغاز قرن جدید میلادی همراه بود با حمله به برج های دوقلو آمریکا، حمله ای که از سوی گروه القاعده برنامه ریزی شده بود. القاعده متشکل از اعراب سلفی و مسلحی بودند که از کشورهای گوناگون به افغانستان هجرت کرده بودند. در سال ۲۰۰۱ میلادی مصادف با سال ۱۳۸۰ با حمله آمریکا به افغانستان موج جدیدی از مهاجرت افغانستانی ها به ایران شروع شد. نزدیک به سه دهه مهاجرت افغانستانی ها به ایران باعث شده است تا بر میزان حجم مهاجران قانونی و عمدتاً غیرقانونی افزوده شد. بخشی از این مهاجران از قومیت هزاره ها هستند که پیرو مذهب شیعه هستند. قومیت هزاره ها غالباً در کابل و روستاهای اطراف آن زندگی می کنند و به لحاظ نژادی ترک هستند. بخش دیگری از مهاجران را مردم هرات و اطراف آن تشکیل می دهند. هرات تا دوران محمدشاه قاجار جزء قلمرو ایران بوده است. مردم هرات فارس زبان بوده و بخشی از مردم ایران بوده اند. مردم هرات به لحاظ فرهنگی قربت بیشتری به ایرانیان دارند. به لحاظ مذهبی مردم هرات از اهل تسنن می باشند.

بخش عمده ای از چالش در مورد مهاجران غیر قانونی یا همان اتباع بیگانگان است. افرادی که به صورت قانونی وارد ایران نشوند. دو چالش دیگر در مورد مهاجران قانونی و مهاجران غیرقانونی افغانستانی در ایران وجود دارد. نخست اینکه برخی از این اتباع بیگانه بدون اجازه دادگاه و طی نمودن فرایند قانونی با زنان ایرانی ازدواج کردند. ازدواج مردان بیگانه با زنان ایرانی منجر به تولد و به دنیا آمدن اطفالی گردیده است. اطفالی که از مادر ایران و در سرزمین ایران به دنیا آمده اند. تابعیت این اطفال از چالش های پیشرو نظام حقوقی و اداری کشور شده است. چالش دوم مهاجران قانونی و غیر قانونی در ایران پیوندهای زناشویی میان آن هاست پیوندهایی که اتباع افغانستانی با یکدیگر انجام داده است منجر تولد فرزندان افغانستانی در خاک ایران شده است. اطفالی که از والدین افغانستانی در خاک ایران زاده شدند.

از سوی دیگر فرایند جامعه پذیری افغانستانی ها در جامعه ایران به صورت کامل رخ نداده است. از سوی دیگر مباحثی از قبیل تحصیل، بهداشت افغانستانی های مقیم ایران منجر به چالش و تنگنانهایی گردیده است. در کنار باید به این موضوع اشاره داشت که افغانستانی ها در افزایش فشار به سیستم قضایی ایران موثر بوده اند.

#### ۱- تابعیت

تابعیت در زبان انگلیسی citizenship خطاب می شود که دلالت بر یک پیوند و وابستگی دارد. تابعیت به معنای یک رابطه حقوقی میان یک شهروند و یک دولت است. در واقع تابعیت یک نسبت حقوقی را میان قدرت و فرد برقرار می کند. این رابطه حقوقی که میان دولت و شهروند شکل می گیرد منجر به این می شود تا اثرات حقوقی نیز حاکم گردد. تابعیت هرچند باعث فرمانبرداری شهروندان نیز می گردد اما از سوی دیگر باعث می شود تا شهروندان از یک حمایت سیاسی نیز برخوردار شوند. رابطه تابعیت تنها یک امر حقوقی عینی نیست بلکه جنبه ای معنوی نیز در آن حاکم است. تابعیت نشان می دهد که یک پیوند و اشتراک فرهنگی و تاریخی میان افراد وجود دارد. (ارفع نیا، ۱۳۸۶: ۴۳ و ۴۴) از نظر برخی حقوقدانان آمریکا تابعیت یک تعلق خاطر به یک ملت و دولت را نشان می دهد. (campbell black, 1983: 533) با قرارداد وستفاليا در سال ۱۶۴۸ میلادی در مغرب زمین مفهوم دولت-ملت شکل گرفت. در مشرق نیز پس از فروپاشی امپراطوری عباسی زمینه دولت-ملت ایران در دوران صفویان شکل گرفت. (طباطبایی) با فروپاشی امپراطوری عثمانی دولت-ملت های جدید شکل گرفت. با توجه به این که دولت-ملت های نوین شکل گرفت؛ تابعیت نیز جنبه ملی یافت. بدین معنا که افراد تابعیت خود را نسبت به یک دولت-ملت تعریف می کردند.

#### ۲- اثرات تابعیت

تابعیت در شاخه های گوناگون حقوق اهمیت یافته است. در واقع در عرصه های مختلف حقوق تابعیت نظم خود را حاکم کرده است. در این بین اثرات تابعیت در شاخه های گوناگون حقوق به اختصار معرفی می گردد.

الف) حقوق سیاسی: تابعیت باعث می شود تا حقوق سیاسی برای یک فرد شکل بگیرد. تابعیت در عرصه حقوق سیاسی منجر به این می شود تا فرد حقوق سیاسی خود را در عرصه عمومی کسب نماید. حق رای دادن، انتخاب کردن و انتخاب شدن از مهمترین مباحث در حقوق سیاسی است. تابعیت ملی با خود امتیازات و مسئولیت های سیاسی را به ارمغان می آورد. حقوق سیاسی با تابعیت ارتباط مستقیم دارد.

ب) حقوق مدنی:

در قانون مدنی ایران و همچنین بسیاری از کشورهای دیگر احوال شخصیه براساس تابعیت تعریف شده است. در واقع باید گفت که حقوق احوالات شخصیه متأثر از تابعیت است. قانون مدنی ایران نیز به صراحت افرادی را که دارای تابعیت ایران نیستند در احوالات شخصیه مطیع قانون ایران ندانسته است. «اتباع خارجه مقیم در خاک ایران، از حیث مسائل مربوطه به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه، در حدود معاهدات، مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.» (قانون مدنی) بر طبق ماده شش قانون مدنی «قوانین مربوط به احوال شخصیه، از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث، در مورد کلیه اُ اتباع ایران، ولو این که مقیم در خارجه باشند، مجری خواهد بود.» (قانون مدنی) احوال شخصیه شامل اهلیت و وضعیت نیز می‌گردد. وضعیت به معنای مجموع اوصاف حقوقی انسان است که آثار حقوقی بر آن‌ها مترتب می‌شود. (الماسی، 1370: 151)

ج) حقوق بین الملل:

تابعیت در حقوق بین الملل مورد توجه بوده است. در ماده پانزدهم اعلامیه حقوق بشر مصوب 1948 میلادی به ضرورت اینکه هر فرد در این جهان باید دارای تابعیت باشد تاکید شده است. در واقع هر فردی این حق را دارد که از یک تابعیت برخوردار باشد و شخصی را نمی‌توان بی دلیل از تابعیت محروم کرد. «الف) هرکس می‌تواند هر ملیتی را بخواهد بپذیرد. ب) هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه از ملیت او محروم ساخت یا حق تغییر ملیت را از او سلب نمود.» (اعلامیه حقوق بشر)

۳- انواع تابعیت:

بطور کلی دو گونه وجود دارد که در ادامه به اختصار بیان می‌شوند.

الف) تابعیت اصلی: قاغده کلی بر این است که هر فردی که متولد می‌شود باید دارای تابعیت باشد. در واقع یک دولت مسئولیت سیاسی را بپذیرد و از طرف دیگر هر فرد دارای یک دولت-ملت باشد. این تابعیت که با تولد به هر فردی تقدیم می‌شود به دو روش انتقال پیدا می‌کند.

- روش خون: در این روش فرد به واسطه ولدین خود تابعیت کسب می‌کند. روش خون تابعیت ملی فرد را با معیار صلب و رحم پذیرفته است. برخی از کشورها در روش خون پدر و مادر را به یک میزان معتبر دانسته‌اند و هر کدام به تنهایی منجر به انتقال تابعیت می‌گردند. اما کشورهای اسلامی روش خون دلالت بر پدر دارد و انتقال تابعیت از طریق مادر را نپذیرفته است. در واقع باید گفت با توجه به این که ولایت طفل با پدر او می‌باشد؛ انتقال تابعیت نیز از طریق پدر رخ می‌دهد.

- روش خاک: روش دیگری که برای انتقال تابعیت اصلی بیان شده است روش خاک است. بدین معنا که هر فردی که در یک سرزمین به دنیا آمده باشد از تابعیت آن سرزمین برخوردار است.

برخی از دولت‌ها هر دو روش را برای انتقال تابعیت اصلی برگزیده‌اند و برخی تنها یک روش را برگزیدند.

ب) تابعیت اکتسابی: برخی از کشورها این امکان را در نظر گرفتند که افراد بیگانه بتوانند تابعیت آن‌ها را اکتساب نمایند. در واقع افراد بیگانه در صورتی که شرایط خاصی را داشته باشند قانون ایران به تابعیت اکتسابی اعتقاد دارد. البته افرادی که تابعیت اکتسابی دریافت می‌کنند دارای محدودیت‌هایی در عرصه سیاسی و اجتماعی هستند که در ماده ۹۸۲ قانون مدنی ذکر شده است: «اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند:

۱ - ریاست جمهوری و معاونین او.

۲ - عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه.

۳ - وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری.

۴ - عضویت در مجلس شورای اسلامی.

۵ - عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر.

۶ - استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هرگونه پست و مأموریت سیاسی.

۷ - قضاوت.

۸ - عالی‌ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی.

۹ - تصدی پستهای مهم اطلاعاتی و امنیتی. (قانون مدنی)

۴- تابعیت در قانون ایران:

الف) قانون اساسی:

مهمترین قانون هر دولتی، قانون اساسی است. در قانون اساسی مشروطه به طور صریح و شفاف به تابعیت پرداخته نشده بود. تنها در اصل بیست و چهارم متمم قانون اساسی مشروطه ذکر شده بود: «اتباع خارجه می‌توانند قبول تبعیت ایران را بنمایند و قبول و بقای آنها بر تبعیت و خلع آنها از تبعیت به موجب قانون جداگانه است.» (قانون اساسی مشروطه) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دو اصل به بحث تابعیت پرداخته شده است. در اصل چهل و یکم به صراحت از حق تابعیت هر ایرانی دفاع شده است: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) در اصل چهل و دوم قانون اساسی در مورد تابعیت اکتسابی اتباع بیگانه اشاره دارد: «اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت اینگونه اشخاص

در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

ب) قانون تابعیت:

در اوایل سال ۱۳۰۴ خورشیدی هیئت وزیران تصمیم گرفت تا در مورد تابعیت تصمیم گیری نماید. سرانجام هیئت وزیران به یک قانون ده ماده ای رسید و تقدیم مجلس شورای ملی گردید اما این لایحه در مجلس عقیم ماند. این روند تا چندسال ادامه داشت تا اینکه در شانزدهم شهریورماه ۱۳۰۸، قانون تابعیت در شانزده ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید. در بیست و نهم مهرماه ۱۳۰۹ با تصویب دو ماده دیگر به اسم قانون «متمم قانون تابعیت» تکمیل شد، بنابراین مجموع این دو قانون اصول تابعیت ایران را تشکیل می‌داد که تا سال ۱۳۱۳ خورشیدی به آن عمل می‌گشت. این قانون بر دو روش خاک و خون تاکید داشته است.

در سال ۱۳۱۳ قانون مدنی به تصویب رسید. شانزده ماده از ۹۷۶ تا ۹۹۱ قانون مدنی در مورد تابعیت تنظیم گردیده است. در همان ماده نخست بحث تابعیت راه برای دادن تابعیت به فرزند مادر ایرانی مهیا شد. در ماده ۹۷۶ ذکر شده است: «اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب میشوند:

- ۱- کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.
- ۲- کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.
- ۳- کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشد.
- ۴- کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند.
- ۵- کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هجده سال تمام لااقل ۱ سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.
- ۶- هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.
- ۷- هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

تبصره - اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و کنسولی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.» (قانون مدنی) محتوای بند چهارم ماده ذکر کرده است که هر کسی که یکی از والدینش متولد ایران باشد و خودش نیز متولد ایران باشد دارای تابعیت ایران خواهد بود؛ اما حقوقدانان آن را برای مادر ایرانی و پدر غیر ایرانی پنداشتند (امامی، ۱۳۸۳: ۱۸۳) حال آن که در محتوای این بند حتی اگر هر دو والدین غیر ایرانی

باشد باز هم این امکان وجود دارد. این بند دارای ابهامات گوناگونی است بدین معنا که اگر یک زن ایرانی متولد ایران نباشد اما تابعیت ایران داشته باشد با یک مرد غیر ایرانی ازدواج نماید فرزندش نمی تواند تابعیت ایرانی داشته باشد. از سوی دیگر اگر زن تابعیت ایران را داشته باشد و فرزند خارج از ایران متولد شود نمی تواند تابعیت ایران را داشته باشد. همچنین متن مشخص نکرده است که کدام یک از ابویان او متولد ایران باشند فرضاً اگر زنی ایرانی متولد غیر ایران باشد با یک مرد خارجی متولد ایران ازدواج کند فرزندش می تواند تابعیت ایرانی دریافت کند. اما این بند چالش بزرگی به نام ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی را پیش روی خود داشت. در این ماده ذکر شده است که: «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است.» (قانون مدنی) این بدین معنا بود که ازدواج باید با اجازه دادگاه صورت می پذیرفت در حالی که اکثریت ازدواج های صورت گرفته توسط اتباع بیگانه بدون حکم دادگاه بوده است و حتی برخی از آن ها مهاجران غیرقانونی بوده اند.

یکی دیگر از مشکلات زنان که با اتباع افغانستانی ازدواج می کردند الزام به ترک تابعیت ایرانی بوده است. ماده ۹۸۷ قانون مدنی ذکر کرده است: «زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر بواسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً" به او تعلق خواهد گرفت.» (قانون مدنی) تا سال ۱۳۷۹ تابعیت زوج افغانستانی بر زوجه ایرانی تحمیل می گشت.

۵- قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵

در سال ۱۳۸۵ ماده واحده ای برای حل معضل تابعیت فرزندان از مادر ایرانی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. در این ماده واحد ذکر شده است: «فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یکسال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می شوند می توانند بعد از رسیدن به سن هجده سال تمام تقاضای تابعیت ایرانی نمایند. این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیرایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می شوند. وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی اقدام می نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده صادر می کند. فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می باشند.

تبصره ۱- چنانچه سن مشمولین این ماده در زمان تصویب بیش از هجده سال تمام باشد باید حداکثر ظرف یکسال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی نمایند.

تبصره ۲- از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی به ثبت رسیده باشد، پس از رسیدن به سن هجده سال تمام و حداکثر ظرف مدت یک سال، بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده (۹۷۹) قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.» (ماده واحده) در این ماده واحده شرایط و نکاتی ذکر شده بود که گره از این مشکل را نمی‌توانست به صورت کامل باز کند. در این ماده واحده نکات اساسی بیان شده است که عبارتند از:

- اختیاری کردن درخواست به خود فرزند، یعنی مادر ایرانی یا مردان خارجی نمی‌توانند بجای فرزند خود تصمیم بگیرند. آن هم پس از هجده سالگی امکان چنین حقی را دارد.
- تولد در ایران به گونه ای که از داده شدن تابعیت به فرزندان مادر ایرانی منوط به تولد در ایران است.
- ثبت ازدواج و طی شدن مقررات ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی تاکید شده است.
- نداشتن سوء پیشینه که مانع از تابعیت یافتن افراد مجرم می‌شود.
- نداشتن سوابق امنیتی

۶- قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی مصوب ۱۳۹۸ مشکلات مربوط به کودکان مادران ایرانی با پدران افغانی همچنان پابرجا بود قانون گذار با توجه به ثبت ازدواج و طی شدن مقررات ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی همچنان راه را برای آن‌ها مسدود کرده بود. در چنین شرایطی در سال ۱۳۹۸ مجلس شورای اسلامی ماده واحده جدیدی را به تصویب رساند که به شرح ذیل است: «فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان غیرایرانی که قبل یا بعد از تصویب این قانون متولد شده یا می‌شوند، قبل از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی به درخواست مادر ایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران در می‌آیند.

فرزندان مذکور پس از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی، در صورت عدم تقاضای مادر ایرانی، می‌توانند تابعیت ایران را تقاضا کنند که در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. پاسخ به استعلام امنیتی باید حداکثر ظرف مدت سه ماه انجام شود و نیروی انتظامی نیز مکلف است نسبت به صدور پروانه اقامت برای پدر غیرایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) اقدام کند.

تبصره ۱ - در صورتی که پدر و یا مادر متقاضی در قید حیات نبوده و یا در دسترس نباشند، در صورت ابهام در احراز نسب متقاضی، احراز نسب با دادگاه صالح می‌باشد.



تبصره ۲ - افراد فاقد تابعیتی که خود و حداقل یکی از والدین شان در ایران متولد شده باشند، می توانند پس از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی، تابعیت ایرانی را تقاضا کنند که در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری و نیز نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران پذیرفته می شوند. «(ماده واحده ۱۳۹۸) این ماده واحده برخی از مشکلات را حل کرده است و اما می تواند باعث آشفتگی و برهم ریختگی نیز گردد. این ماده واحده تفاوت هایی را با ماده واحده ۱۳۸۵ دارد که در این جا ذکر می گردد:

- قانون گذار با حذف ماده ۱۰۹۶ که به نوعی نظارت دادگاه را در ازدواج و همچنین طی نمودن تشریفات را در نظر داشت و تاکید بر ازدواج شرعی اعم از نکاح دائم یا موقت بدون تاکید بر ثبت و رسمی شدن تنها با ارائه دستخط یا شهود عملاً هرگونه نظارت قانونی را حذف کرده است.
- قانون گذار بر خلاف گذشته که درخواست به تابعیت را در انحصار خود فرزند می دانست این بار به مادر ایرانی این حق را داده است تا برای فرزندش درخواست تابعیت ایرانی بکند. درخواست تابعیتی که قبل از هجده سالگی از سوی مادر ایرانی صورت می پذیرد در صورتی که با موافقت همراه شود به نوعی برای دولت هزینه های مالی آموزش و بهداشت را به ارمغان می آورد.
- این ماده واحده هیچ تأکیدی بر به دنیا آمدن در ایران نکرده است در نتیجه می توان این فرض را داشت که زنی ایرانی در خارج از ایران با مردی بیگانه بدون هیچ گونه ضوابط قضایی نکاح کرده و در سرزمینی بیگانه فرزندی به دنیا می آورد آن فرزند می تواند تابعیت ایرانی داشته باشد. چنین گشاده دستی در تابعیت می تواند با خود چالش بیافریند. می تواند کشور را با ایرانیانی روبرو کند که هیچ علقه ای به ایران نداشته و حتی زبان فارسی را بلد نباشند. از دیگر مسائلی که این موضوع می تواند به ارمغان بیاورد این است که برخلاف قاعده پرهیز از تابعیت مضاعف (نصیری، ۱۳۸۵: ۴۱) این نوع نگاه به گسترش تابعیت مضاعف کمک می کند. در همان مثال ذکر شده طفل مذکور هم از سرزمینی که در آن زاده شده است و هم از پدر خود تابعیت دریافت کرده است در نتیجه با تابعیت ایران دارای سه تابعیت خواهد بود.
- قانون گذار با حذف سوء پیشینه و محدود کردن به مسائل امنیتی نسبت به اقدامات کیفری این افراد با نگاه اغماض و چشم پوشی عمل کرده است.

#### ۷- تابعیت از مادر اصلی یا اکتسابی

یکی از مباحثی که از ماده واحده های مصوب سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۸ قابل برداشت است این که با توجه به این که مادر ایرانی یا شخص متولد شده از مادر ایرانی و پدر خارجی خود باید درخواست تابعیت بدهد در نتیجه به نظر می رسد این تابعیت نمی تواند به صورت اصلی باشد بلکه به صورت اکتسابی می باشد در نتیجه فردی که چنین تابعیتی را کسب می کند از مشاغل و حقوقی که در ماده ۹۸۲ قانون مدنی ذکر شده است محروم است.

میزان حضور افغانستانی ها در ایران تبدیل به یک معضل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شده است طبیعتاً این معضل به عرصه حقوقی نیز وارد شده است و با خود چالش های حقوقی را به ارمغان آورده است. ازدواج زنان ایرانی با اتباع افغانستانی باعث شده است تا کودکانی با ابهام تابعیت متولد شوند. این کودکان هرچند به سبب پدر خود تابعیت افغانستان را دارند اما از داشتن تابعیت ایرانی محروم هستند. قانون مدنی ماده ۹۷۳ نسبت به تابعیت از مادر سکوت کرده است. هرچند بند چهارم آن قانون می تواند در حل این معضل موثر باشد اما عملاً اقدامی صورت نگرفته است. در سال ۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی ماده واحده ای را به تصویب رساند که به دلیل تاکید بر ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی کارآمدی لازم را نداشت. در سال ۱۳۹۸ ماده واحده جدیدی به تصویب رسید که در آن تلاش گردید تا معضلات آن پایان یابد. این ماده واحده هرچند می توانست معضلات مربوط به تابعیت را حل کند اما با خود چالش هایی را به ارمغان آورد که در مقاله ذکر گردید.

## منابع

- احمد، مسلم (۱۹۵۶) القانون الدولي الخاص، الجزء الاول، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية
- ارفع نیا، مهشید (۱۳۸۶) حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، تهران: مهتاب
- اعلامیه حقوق بشر
- امامی، سید حسن (۱۳۸۳) حقوق مدنی، جلد چهارم، تهران: اسلامیه
- حمیدالله محمد (۱۳۸۰) سلوک بین المللی دولت اسلامی، ترجمه مصطفی محقق داماد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی
- قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵
- قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸
- قانون مدنی
- الماسی، نجاد علی (۱۳۷۰) تعارض قوانین، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۷۲) حقوق بین الملل خصوصی، تهران: گنج دانش
- نصیری، مرتضی (۱۳۷۰) حقوق چند ملیتی، تهران: دانش امروز
- Henry campbell black (1983) blacks law dictionary fifth edition usa: westpublishing